

همگرایی و تقریب اسلامی با تحلیل مفاهیم قرآنی «اخوت»، «وحدت» و «امت»

در اندیشه امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری

علیرضا دانشیار

دانشجوی دکتری مطالعات انقلاب اسلامی

چکیده

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مهم‌ترین دغدغه فکری و سیاسی امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری در زمینه مسائل داخلی جهان اسلام به همگرایی و وحدت و تقریب مذاهب اسلامی اختصاص داشته است. این همگرایی می‌تواند در عرصه‌های گوناگون فرهنگی و سیاسی اتفاق افتد. رهبران انقلاب، برای پیشبرد این هدف، به تحلیل مفاهیم ناب قرآنی از جمله: «اخوت»، «وحدت» و «امت» پرداخته‌اند و با بهره‌گیری از این مفاهیم و توضیح و تفسیر آنها، همواره به مسلمانان درباره تفرقه و جدایی و رویکردهای ناهمسازگرایانه هشدار داده‌اند و در این مسیر، بیشترین توصیه، تأکید و استناد آنان به آیات قرآن کریم و مفاهیم مرتبط با همگرایی و نزدیکی مسلمانان بوده است. کلیدواژه‌ها: همگرایی، تقریب، اخوت، وحدت، امت.

مقدمه

اندیشه نزدیکی مسلمانان و جنبه‌های پرهیز از اختلاف‌افکنی میان مسلمانان همواره در کانون توجه رهبران انقلاب اسلامی به ویژه امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری قرار داشته است. دلایل پیدایی و تمایل رشد و نمو اندیشه تقریب، قبل از هر چیز محصول ریشه‌ای و اساسی آموزه‌های وحیانی و قرآن کریم است که همواره بر وحدت و یکپارچگی و آموزه‌های همسازگرایانه و وحدات‌گرایانه در قرآن کریم و سیره پیامبر(ص) قرار داشته است. یکی از نکات کلیدی در این زمینه که متأثر از آموزه‌های قرآنی و سیره پیامبر(ص) است که در بخشهای مختلفی از جمله حج نمود پیدا می‌کند، مسئله «آگاهی‌سازی و اطلاع‌رسانی» در این زمینه می‌باشد (احمدی طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ص ۳۶). این نکته از آن رو، دارای اهمیت است که همواره در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی و به ویژه در استراتژیهای اتخاذی جمهوری اسلامی به عنوان امری اثرگذار، مورد توجه بوده است. در این زمینه امام خمینی می‌فرماید: «نکته مهم این اجتماعات، این است که آن چیزهایی که در بلاد مسلمانان در طول سال گذشته است، به اطلاع هم برسانند و برای رفع اشکالات مسلمانان فکر کنند و اجتماع بزرگ میلیونی اسلامی در حجاز برای همین

نکته است در عین حالی که عبادت است» (خمینی، ۱۳۷۷ش، ج ۱۳، ص ۲۷۴). «... وظیفه علما ما بایستی مردم خودمان را هشیار و بیدار کنیم و خودمان مراقب باشیم» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۱۱/۹).

از این رو می‌توان راهبرد تقریب را در مواضع انتخابی رهبران انقلاب اسلامی به صورت بارزی مشاهده نمود. می‌توان این راهبردها را چنین برشمرد:

۱. پیگیری هدفها از طریق متقاعدسازی، اعتمادسازی، ترغیب، حساسیت‌زدایی، شفاف‌سازی، و اقناع جمعی که از طریق گفتگو و تعامل سازنده میان بازیگران اسلامی، امکان‌پذیر می‌شود.

۲. ارتقای توان مذاکره و گفتگو و تأکید بر فرهنگ مشترک به منظور پیگیری اهداف و انعطاف در گفتار و سیاستهای اعلامی.

۳. تقریب مذاهب کاراثرترین روش برای رفع سوء تفاهمات و سوء برداشتها است. واقعیت آن است که اختلافات در هسته مذاهب قابل رفع و رجوع نیست، اما امکان گفتگو در جهت حل اختلاف در آرا و نظرات فقهی وجود دارد (دهشیری، ۱۳۹۰ش، ص ۲۷۵).

۴. تقریب، به مذاهب اسلامی کمک می‌کند تا پیام خود را انتشار دهند و به هم‌اندیشی با یکدیگر برای انتقال اندیشه و تبادل نظر در مسائل اجتماعی، فقهی، عقیدتی و سیاسی مبادرت نمایند (دهشیری، ۱۳۹۰ش، صص ۲۷۸ و ۲۷۹).

۵. تقریب مذاهب؛ موجب می‌شود که مذاهب به عنوان یک نظام گفتاری، با بهره‌گیری از نمادهای زبانی، موجب اتصال حلقه‌های به هم پیوسته و تنظیم روند حرکت اندیشه اسلامی شوند. از این رو تقریب مذاهب، وسیله‌ای ارتباطی برای شکل‌گیری و تحول فکری و گستره‌ای برای رشد و پختگی و منطقی شدن، قلمداد می‌گردد.

۶. تقریب مذاهب موجب وارد شدن نخبگان فکری جهان اسلام به یک متن اسلامی می‌گردد، به نوعی که به رغم تفاوت‌های مذهبی، نوعی رابطه بینا‌متنی، بینا‌گفتمانی و بینا‌ذهنی میان آنان برقرار می‌شود (همان، صص ۲۸۰ و ۲۸۱).

۷. تقریب مذاهب، زمینه‌ای برای تعامل افکار و زمینه‌ای برای آشناسازی دیگران با اندیشه‌ها و بنیانهای فکری و ارزشی خود در عین شناخت رویکردها و بنیانهای ارزشی با سایر مذاهب و فرهنگ می‌انجامد.

۸. موجب اهتمام به پدیده‌های همچون مشارکت، تعاون، صلح، همکاری، مردم‌سالاری، باورمداری، اعتقادگرایی، اخلاق‌محوری و ... می‌گردد.

۹. به طرفداران مذاهب چگونه گفتن و چگونه ارتباط برقرار کردن را براساس تعامل دوسویه می‌آموزد و موجب دستیابی به وفاق جمعی و تلاش برای وصول به اجماع نظر بر سر اصول و قواعد عمل جمعی عام در جهان اسلام می‌شود (همان، صص ۲۸۴ و ۲۸۵).

از این رو، در اندیشه سیاسی امام خمینی و مقام معظم رهبری در جهت ایجاد بستر و شرایط لازم برای تحقق وحدت و همیاری و به عبارتی تحقق «تقریب» در جهان اسلام، روی دو محور عمده فکری - فرهنگی و سیاسی - عملی تمرکز یافته است که می‌توان از آن با نامهای «تحول درونی»، «بیداری قلبی» و «بازگشت به هویت اصیل» یاد نمود (عارفی، ۱۳۷۸ ش، صص ۷۷ و ۷۸).

از سویی دیگر، اندیشه تقریب در ساحت فکری - فرهنگی منجر به همکاریهای مشترک در ابعاد مختلف دفاعی، امنیتی، اقتصادی و ... می‌گردد که ریشه در دستورهای قرآن و سنت دارد و اگر به درستی مورد اجرا گذاشته شود، سهم مهمی در گردآوردن مسلمانان و تقویت آنها خواهد داشت (واعظزاده خراسانی، ۱۳۸۲ ش، صص ۸۱ و ۸۲). البته باید یادآور شد که طرحهای سیاسی، در حقیقت راههای تقریب مذاهب نیست، بلکه عمده آنها مربوط به وحدت اسلامی است. البته، هدف اصلی از طرح تقریب مذاهب اسلامی هم دستیابی به یک نوع وحدت اجتماعی و سیاسی امت اسلام است تا از این راه، مشکلات موجود جهان اسلام حل گردد، هر چند تقریب مذاهب، صرف نظر از نتایج و ثمرات سیاسی و اجتماعی آن، آثار علمی و فرهنگی فراوانی از جمله همکاری و تعاون علمی و پژوهشی درباره ابعاد مختلف علوم اسلامی را هم که قطعاً باعث رشد و نمو این علوم است را دربر دارد (همان).

بنابر همین رویکرد، می‌توان گفت در قرآن کریم، بخش قابل ملاحظه‌ای از مفاهیم اجتماعی - سیاسی به کار رفته است. به عنوان مثال واژه‌هایی نظیر: امت، قوم، قبیله، حزب، ... و یا واژه‌هایی نظیر وحدت، امت، اخوت و ... نشانگر توجه تعالیم قرآن کریم به زندگی اجتماعی انسان و جوامع بشری و در معنای خاص آن توجه به زندگی مسلمانان است (احمدی، ۱۳۸۸ ش، صص ۷۷ و ۷۸). براساس این رویکرد، آیات متعددی متناسب با رویکرد نزدیکی و وحدت مسلمانان در قرآن کریم، وجود دارد. در بحث حاضر، سه مفهوم کلیدی قرآنی «اخوت»، «وحدت» و «امت» که در واژگان گفتاری و نوشتاری امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری به کار رفته‌اند، مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

تبیین مفهوم اخوت

مفهوم اخوت یکی از مفاهیم قرآنی و یکی از سازنده‌ترین و زنده‌ترین مفهومی است که در آثار امام خمینی و رهبری به آن تأکید و توجه خاصی شده است. مفهوم برادری، از مفاهیمی بوده که از اول تشکیل حکومت پیامبر(ص) به طور ویژه مورد تأکید بوده است. توجه به مسئله برادری به لحاظ محدوده جغرافیایی و تاریخی آن زمان، و کوچک بودن قلمرو اسلامی، استراتژی و رویکرد پیامبر اسلام معطوف به درون خود اسلام بود؛ اما با پیشرفت اسلام، ضرورت و نیاز به مفاهیم و دستورات اصیل اسلامی به وضوح مشاهده می‌شد. در دوران معاصر به لحاظ دخالت کشورهای سلطه‌گر و استعمارگر در سایر کشورها و ایجاد اختلاف و مرزبندی دولتها، پاره‌ای از مسائل اسلامی و از جمله اخوت به فراموشی سپرده شد و با پررنگ شدن مسائل قومی - مذهبی، جهان اسلام هر چه بیشتر از استراتژی اخوت دور شد. این پیش زمینه تاریخی - تحلیلی همواره در ذهن امام خمینی(ره) به لحاظ بازتاب کاملی در آثار ایشان نماینگر تلاش و رویکردی انتقادی بر مسائل و جریانات جهان معاصر و جهان اسلام است، که با درکی عمیق از نیازها و با تبیین و تفسیر خاصی که از انسان اسلامی و انسان معاصر گرفتار شده در بنیانهای فلسفی مادی‌گرا و سودمحور که دیگر به استثمار و چپاول و سلطه سیاسی موجود در مرزهای داخلی خود بسنده نمی‌کند و در فکر به استثمار و استعمار کشیدن دیگر کشورها و از جمله برهم زدن بنیانهایی که در راستای برادری و استحکام بنیانهای وحدت‌محورانه اسلامی، با توجه به متون دینی نقش گرفته است. امام خمینی با مشی پیامبرگونه تلاش دارد که با تلفیق مفهوم اخوت در روابط بین‌الملل اسلامی، قدرت دین و مرجعیت سلطه الهی را به انسان عصیانگر معاصر بازگرداند، البته این کار امام خمینی(ره) در تمامی عرصه‌ها قابل بررسی و تبیینی موشکافانه است. روابط بین‌الملل دولت اسلامی یکی از کانونی‌ترین بحث را در سیستم دولت اسلامی و یا نظام اسلامی ایفا می‌کند. روشن شدن اصول اتخاذی و بنیانهای دینی، به نزدیک تر شدن ملل اسلامی کمک به سزایی خواهد نمود. امام خمینی با استناد به اصل برادری از آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات، ۱۰)، تلاش دارند که روابط دولتهای اسلامی را ارتقا دهد و با ایجاد روابط همراه با برادری، قدرت امت اسلامی را به آنها بازگرداند.

«یکی از مقاصد بزرگ شرایع و انبیای عظام(س)، که علاوه بر آنکه خود مقصود مستقل است، وسیله پیشرفت مقاصد بزرگ و دخیل تام در تشکیل مدینه فاضله می‌باشد، توحید کلمه و توحید عقیده است، و اجتماع در مهمام امور و جلوگیری از تعدیات ظالمانه ارباب تعدی است، که مستلزم فساد بنی‌الانسان و خرابی مدینه فاضله است. این مقصد بزرگ، که مصلح اجتماعی و فردی است، انجام نگیرد، مگر در سایه وحدت نفوس و اتحاد هم و الفت و اخوت و صداقت قلبی و صفای باطنی و ظاهری، و افراد جامعه به طوری شوند که نوع بنی آدم تشکیل یک شخص

دهند، و جمعیت به منزله یک شخص باشد و تمام کوششها و سعیها حول یک مقصد بزرگ الهی و یک مهم عظیم عقلی، که صلاح جمعیت و فرد است، چرخ زند. اگر چنین مودت و اخوتی در بین یک نوع یا یک طایفه پیدا شد، غلبه کنند بر تمام طوایف و مللی که بر این طریقه نباشند. چنانچه از مراجعه به تواریخ، خصوصاً تاریخ جنگهای اسلام و فتوحات عظیمه آن، مطلب خوب روشن می‌شود، که در اوایل طلوع این قانون الهی، چون شمه‌ای از این اتحاد و وحدت در بین مسلمانان بوده و مساعی آنها مشفوع به تخلص نیات نوعاً بوده است، در مدت کمی چه فتوحات بزرگی کردند، و در اندک زمانی به سلطنتهای بزرگ آن زمان، که عمده آن ایران و روم بوده، غلبه کردند و با عده کم بر لشکرهای گران و جمعیت‌های بی‌پایان غالب شدند. پیغمبر اسلام عقد اخوت بین مسلمانان را در صدر اول اجرا فرمود و به نص «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»، اخوت بین تمام مؤمنان برقرار شد» (خمینی، ۱۳۷۳ش، صص ۳۰۹-۳۱۱).

به تبع حس برادری در میان کشورها «حس خیرخواهی» نسبت به برادر دینی در وجود روابط بین ملل یا دول همان‌طور که در زندگی شخصی اتفاق می‌افتد، به وجود خواهد آمد: «از این آیه این معنا استفاده می‌شود که چنانچه دو نفر به اخوت ایمانیشان عمل نکنند، برادر نباشند، مؤمن نیستند، اینکه برادر هستند، این مؤمنها برادرند. همان طوری که یک برادر برای برادر خودش خیر می‌خواهد، مؤمن این است. اگر یک وقت ما دیدیم که کسی برای برادرهای خودش خیر نخواست، نزاع راه انداخت، هیاهو راه انداخت، این طرف خودش را بکشد، او به طرف خودش بکشد، این از ایمان معلوم می‌شود که حظ صحیح نبرده است. اینکه باید ایمان در قلب این تأثیر بکند، نکرده است» (خمینی، ۱۳۷۷ش، ج ۱۱، ص ۳۸۱).

امام خمینی(ره)، با استناد به این آیه، حکم اخوت را به احکام کلی‌تری تسری می‌دهند، علاوه بر اینکه حکم قرآنی برادری، یک حکم اخلاقی است، در عین حال، در عرصه روابط بین‌الملل، حکم سیاسی - اجتماعی به حساب می‌آید. امام خمینی(ره)، آسیب و ضرر ناشی از عمل نکردن به حکم اخوت را لازمه آسیب و ضرر دیدن خود مسلمانان و دولتهای اسلامی می‌دانند. با این حال با تحلیل محتوای سخنرانیهای امام خمینی(ره)، تلاش برای ایجاد تفرقه و نزاع بین مسلمانان از سوی خود آنان، به موجب قاعده لاضرر که در مباحث پیشین مطرح شد؛ حرام می‌شود و از سویی، خلاف نص صریح آیه برادری می‌گردد: «اسلام، احکام اخلاقی‌اش هم سیاسی است. همین حکمی که در قرآن هست که مؤمنان برادر هستند، این یک حکم اخلاقی است، یک حکم اجتماعی است، یک حکم سیاسی است. اگر مؤمنان، طوایف مختلفه‌ای که در اسلام هستند و همه هم مؤمن به خدا و پیغمبر اسلام هستند، اینها

با هم برادر باشند، همان طوری که برادر با برادر نظر محبت دارد، همه قشر با هم نظر محبت داشته باشند، این علاوه بر اینکه یک اخلاق بزرگ اجتماعی دارد. شما ببینید که در همین برهه از زمان که اسلام در اینجا یک سایه ضعیفی انداخته است. این «برادری» که مقدار ناقصی الان در ایران ایجاد شده است چه آثار رحمتی هست در آن و چه انعکاس رحمانیت الهی در این کشور هست» (همان، ج ۱۳، ص ۴۷۱).

ایشان در جای دیگری می‌فرماید: «ما باید بیدار باشیم و بدانیم که این حکم الهی که فرموده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات، ۱۰)، برادر هستند اینها و هیچ حیثیتی جز برادری با هم ندارند و مکلفند که مثل برادر با هم رفتار کنند. این یک حکم سیاسی است اگر ملت‌های مسلم، که تقریباً یک میلیارد جمعیت هستند، اینها برادر با هم باشند و به برادری با هم رفتار کنند، هیچ آسیبی بر اینها واقع نمی‌شود و هیچ‌یک از ابرقدرتها قدرت اینکه تجاوز به آنها بکنند، ندارند. برادرها باید متوجه این معنا باشند» (همان، ج ۱۳، صص ۱۳۳-۱۳۵).

از دیدگاه امام خمینی و مقام معظم رهبری اگر اصل برادری در عرصه روابط بین‌الملل دولتهای اسلامی مورد توجه قرار گیرد، باعث تقویت و همگرایی بیشتر مسلمانان و قدرت آنها در نتیجه، آسیب‌ناپذیری مسلمانان می‌شود: «اگر همه مؤمنان در تمام کشورهای اسلامی، همین یک دستور خدا را که خدا عقد اخوت پیششان انداخته است «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» را عمل بکنند، دیگر قابل آسیب نیستند» (همان، ج ۱۱، ص ۴۹۱).

از دیدگاه امام خمینی (ره)، مسلمان نباید به مسلمان صدمه و زیان وارد کند و برعکس وقتی که آسیبی به دیگری مسلمان برسد، اظهار ناراحتی کند، متأسفانه برخلاف استراتژی اخوت که در اندیشه امام و رهبری به عنوان یک اصل راهبردی مورد توجه است، اما در عمل برخی از حاکمان مسلط و دست‌نشانده در کشورهای عربی مشی خلاف اصل اخوت ارائه می‌دهند که این موضوع، ناراحتی امام را در پی دارد: «آنهايي ايمان به اسلام آورده‌اند که قرآن را، محتوای قرآن را قبول دارند. محتوای قرآنی که می‌فرماید مؤمنان برادر هستند. برادری هرچه اقتضا می‌کند، باید اینها انجام بدهند. برادری اقتضا می‌کند که اگر به شما صدمه‌ای وارد شد، همه برادرهایی که در هر جا هستند متأثر باشند. اگر شما خوشحال باشید، همه خوشحال باشند. برادرها، متوجه باشید که با اسمهای مختلف، با چیزهایی که پخش می‌کنند و تبلیغ می‌کنند، می‌خواهند بین برادرها جدایی بیاندازند که اثر این جدایی افکندن بین برادرها، سلطه اجانب است...» (همان، ج ۱۳، ص ۱۵۳).

«مسلم که نمی‌تواند به مسلم دیگر ضرر بزند. مسلم برادر مسلم است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»، قرآن کریم، عقد اخوت بین مسلمانها انداخته است، برادر که به برادر ضرر نمی‌زند. اینها خوفشان این است که مبدا اسلام تحقق پیدا

بکند، که مبدا منافعشان از دستشان برود! و الا ملت ما اسلام را می‌خواهند از باب اینکه از اسلام ضرر نمی‌بینند» (همان، ج ۱۰، ص ۲۴۹). «مؤمنان سرتاسر دنیا برادرند به حسب حکم قرآن و برادرها برابرند و در شادی و غم هم مشترکند. در اسلام همین برادری است که مبداء همه خیرات است و اینها می‌خواهند این برادری را از ما بگیرند و غائله بیا می‌کنند...» (همان، ج ۱۱، ص ۳۶۷).

در این زمینه، آیت الله خامنه‌ای معتقدند که تمامی ضعف و ذلتی که ملل مسلمان به آن گرفتار شده‌اند؛ ناشی از همین اختلاف و تفرق به واسطه عمل نکردن به آیه اخوت است: «امروز مسلمانان به اخوت و برادری احتیاج دارند. امروز شعار «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ» (حجرات، ۱۰)، از همیشه جدی‌تر است. امروز این ضعف و ذلتی که مسلمانان کشورهای در دنیا دچار آن شده‌اند، ناشی از همین تفرق و اختلاف است. اگر مسلمانان متحد بودند، فلسطین این‌طور نمی‌شد، بوسنی آن‌طور نمی‌شد، کشمیر آن‌طور نمی‌شد، تاجیکستان این‌طور نمی‌شد. مسلمانان اروپا، آن‌طور در محنت زندگی نمی‌کردند. مسلمانان در آمریکا، آن‌طور مورد زورگویی قرار نمی‌گرفتند. علت این است که ما با هم اختلاف داریم» (بیانات، ۱۳۷۲ ش، صص ۹۰-۹۳).

از دیدگاه رهبری، تمامی حرکت‌هایی که در اقصی نقاط جهان صورت می‌گرفت، در راستای راهبرد اخوت امام خمینی (ره) و به نام ایشان صورت می‌پذیرفت و در آنها، مذهب و عقیده خاص اسلامی مطرح نبود. مقام معظم رهبری با آسیب‌شناسی درونی خود مسلمانان، تلاش برای ایجاد اختلاف بین مسلمانان را، خواست دشمن می‌دانند. از دیدگاه رهبری وحدت و اخوت یک مسئله عقلانی می‌باشد: «امام بزرگوار توانست اسلام را عزیز کند، به برکت ایجاد احساس وحدت در بین مسلمانان بود. مسلمان در اقصی نقاط عالم، به نام امام حرکت می‌کرد. فکر نمی‌کرد که «مذهب من چیست؟» «من سنی‌ام، او شیعه است» «او سنی است، من شیعه‌ام». این حالت برای دشمن، حالت مضری است. دشمن می‌خواهد این را بشکند. حال اگر دوست این را بشکند چه؟ اگر به جای قدرتهای استکباری، خود من و شما، با حرف زدندان، با نوشتنمان، با گفتنمان، این وحدت را بشکنیم، شیعه را از سنی، سنی را از شیعه جدا کنیم، چه می‌شود؟ بعد که اینها از هم جدا شدند، نوبت می‌رسد به فرقه‌های سنی: این فرقه را از آن فرقه، اصحاب این اصول را از اصحاب آن اصول، اصحاب این فروع را از اصحاب آن فروع. بعد نوبت می‌رسد به شیعه: این فرقه را از آن فرقه، این دسته را از آن دسته! مگر بر کسی ابقا می‌کنند چرا ما باید به خواست دشمن حرکت کنیم؟ اینکه امام این قدر روی مسئله «وحدت» تکیه می‌کردند، برای این است که این، یک مسئله احساساتی نیست، این یک مسئله عقلانی است...» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲ ش).

در استراتژی اخوت، ملاک تشخیص و هویت، قومیتها نیستند. علاوه بر آن، ملاک تشخیص، عقاید هم نیست، بلکه خطاب قرآن به همه مسلمانان می‌باشد: «اسلام تأکید کرده است که قومیتها، ملاک تشخیص و هویت نیستند؛ «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ» (حجرات، ۱۳). اسلام تأکید کرده است که برادران مسلمان باید با هم برادرانه رفتار کنند؛ نگفته است برادرانی که سنی‌اند یا شیعه‌اند یا فلان مذهب دیگر را دارند، بلکه گفته است که مسلمانان با هم برادر هستند. هرکسی به این کتاب و به این قرآن و به این دین و به این قبله اعتقاد دارد، مؤمن است؛ اینها با هم برادرند؛ اسلام این را به ما گفته است. اما ما خنجرها را پشت سر مخفی می‌کنیم، برای زدن به سینه برادران! در همه بخشها هم مقصرانی هستند. جلوی اینها را باید گرفت و با اینها مقابله کرد. امروز امت اسلام برای حیات، سربلندی و نجات خود و برای برافراشتن پرچم اسلام، به وحدت احتیاج دارد» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳ش).

رهبری در جایی که اخوت و برادری را مطرح می‌کند؛ بحث اصلاح بین برادرهایی که با هم اختلاف دارند را طرح می‌کند. در راستای استراتژی اخوت محورانه بحث اصلاح اختلاف به وجود می‌آید: «قرآن بعد از آنکه بحث «وَأَنَّ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا» (حجرات، ۹)، را مطرح می‌کند، می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات، ۱۰)؛ مؤمنان به خدا، مؤمنان به دین، مؤمنان به راه انبیا با هم برادرند. دو برادر ممکن است با هم دعوا کنند، اما تکلیف ما چیست؟ «فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ» (حجرات، ۱۰)؛ بین دو برادرتان اصلاح ایجاد کنید» (بیانات در دیدار جمعی از مدیران و مسئولان وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۱ش).

استراتژی اخوت در روابط بین‌الملل اولویت ارتباط با بازیگر مسلمان را نشان می‌دهد، اما با توجه به استراتژی وحدت و با اشاره به آیه «تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ» (آل عمران، ۶۴)، روشن‌گر این نکته است که ارتباط با سایر ادیان و مللی که در سایه تعالیم الهی قرار دارند، قابل جمع بوده و در استراتژی اسلامی در روابط بین‌الملل می‌گنجد.

تبیین مفهوم وحدت

از نعمتهای بزرگ الهی و از مقاصد مهم شریعتهای آسمانی و رهاورد و فرامین عقلی بشر، مسئله وحدت و همبستگی است. وحدت و همبستگی، ضرورتی فطری، عقلی، شرعی، سیاسی، اجتماعی است که از مهم‌ترین عوامل حفظ و بقای اجتماع و مدینه انسانی است و بشر نه تنها برای بقای حیات جمعی، بلکه برای برخورداری از یک زندگی مطلوب، چاره‌ای جز پذیرش آن ندارد (جمشیدی، ۱۳۸۴ش، ص ۵۲).

امام خمینی (ره) در بیان مفهوم وحدت با اشاره به آیه شریفه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران، ۱۰۳)، وحدت و اتحاد را اجتماع و با هم بودن در امری واحد می‌داند (خمینی، ۱۳۷۷ش، ج ۹، ص ۱۳۱). از این رو، وحدت در قرآن کریم در سه سطح کلی مورد توجه قرار گرفته است:

الف) در سطح جهانی یا وحدت بشریت: در نظر قرآن انسانها موجوداتی یکسان و برابر هستند و هیچ‌گونه امتیاز و برتری ذاتی با یکدیگر ندارند. عرب و عجم، سیاه و سفید همگی در پیشگاه خدا و در برابر معیارهای حق و حقیقت با هم یکسان هستند (جمشیدی، ۱۳۸۴ش، صص ۵۴-۵۷). قرآن در این باره به مسئله از یک اصل بودن بشر اشاره می‌کند و اختلافات قومی و ملی را عاملی برای شناسایی آنان می‌داند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ» (حجرات، ۱۳).

ب) وحدت صاحبان ادیان الهی یا وحدت اهل ایمان: در این نوع وحدت، مؤمنان به توحید و ادیانی که ریشه آسمانی دارند و با یکدیگر متحد هستند و در یک راستا؛ یعنی تحقق توحید گام بر می‌دارند: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا» (آل عمران، ۶۴).

ج) در سطح دارالاسلام و وحدت مسلمانان و یا امت اسلامی: در این سطح اتحاد و به هم پیوستگی در راستای نوعیت بشر نیست، بلکه در راستا و بر مبنای باور و ایمان به توحید و سایر اصول مکتب اسلام است. وحدتی که بیش از هر چیز مورد تأکید امام خمینی قرار دارد وحدت امت اسلامی است؛ قرآن در مورد وحدت می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیاء، ۹۲).

منظور از وحدت و اخوت اسلامی، وحدت و برادری است که در قرآن مجید، سیره نبوی و احادیث آمده است که اینجا کیفیت و مبانی وحدت و اخوت اسلامی را با استفاده از همین منابع بیان می‌کنیم. قرآن، اساس و بنیان موجودیت نظام سیاسی در اسلام است که با بیان چگونگی سرنوشت اقوام و ملت‌های گذشته و با تأکید بر رمز سعادت و شقاوت آنان، انسان را مسئول حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خویش در جهان معرفی، و شالوده وحدت و همبستگی را نه تنها در اسلام، بلکه در تمام ادیان توحیدی، عنصر بقا و هستی آنها قلمداد می‌کند (بزرگی، ۱۳۸۴ش، صص ۳۰ و ۳۱). بنا بر مطالب پیش گفته، دیدگاه قرآن در مورد وحدت به سه دسته تقسیم می‌شود: ۱. وحدت بشر، ۲. وحدت ادیان توحیدی و ۳. وحدت امت اسلامی.

یکی از مسائل مهم دوران کنونی کشورهای مسلمان، مسئله وحدت اسلامی است. ادبیات مقدس اسلام (قرآن و سنت)، مشحون از مفاهیمی است که با تصریح و تلویح، مسلمانان را دعوت و امر به وحدت می‌نماید و از تجزیه و

تفرقه هراسانیده و پرهیز می‌دارد (امیرالدوش، ۱۳۸۴ش، ص ۱۰). ادبیات سیاسی - مذهبی اسلام از قدیمی‌ترین متون فقهی، اخلاقی، کلامی و به خصوص قرآنی و نظریه‌پردازیهای جدید همواره سهم سنگینی به آموزه‌های همسازگرایانه، همگرایانه اختصاص داده است. در این زمینه امام خمینی(ره) می‌فرماید: «همه مسلمانان جهان توجه بکنند به این آیاتی که در قرآن کریم برای وحدت مسلمانان نازل شده است و مسلمانان را دعوت می‌کند به وحدت و اعتصام به حبل الله، که همان اسلام است» (خمینی، ۱۳۷۷ش، ج ۱۴، صص ۲۲۶ و ۲۲۷).

ادبیات مقدس قرآن کریم و احادیث و روایات اسلامی، اشاره‌های متعددی به ناهمسازگریهای عرب پیش از اسلام (عصر جاهلیت) دارد و بارها مؤمنان را از غلتیدن به جداییها و ستیزه‌جوییها پرهیز می‌دهد. قرآن کریم مکرر از تفرقه به نکبت جهل و تباهی یاد می‌کند (انعام، ۶۵، ۱۵۳ و ۱۵۹؛ روم، ۳۲؛ بقره، ۲۱۳؛ یونس، ۱۹؛ نحل، ۶۴؛ شوری، ۱۳) و همسازگری را نعمتی الهی می‌شمارد که بدون عنایت پروردگار دستیابی به آن ناممکن می‌بود و مؤمنان را به نگهداشت آن تحریض می‌کند (انفال، ۶۳؛ آل عمران، ۱۰۳). آموزه‌های همسازگرایانه در دیدگاه امام خمینی(ره) و رهبری، تحت تأثیر عوامل گوناگونی قرار دارند از همین روی، هریک از این عوامل تأثیرات قابل ملاحظه‌ای در این امر می‌گذارند:

۱. چه در دوران پیامبر(ص)، و چه در دوران معاصر برخورد منافع فردی، گروهی، طبقاتی، قبیله‌گرایی و قومی می‌تواند به جامعه اسلامی در بخش داخلی و به جامعه مسلمانان (امت اسلامی) آسیب برساند. عمیق‌ترین و مانا‌ترین بروزگاه این ناهمسازگراییها در بخش عقیدتی اتفاق می‌افتد: «سم مهلك دنياي اسلام تفرقه است. این تفرقه، ملتها را از هم جدا می‌کند؛ دلها را از هم جدا می‌کند. الآن دشمن، و همین سرویسهای جاسوسی اسرائیل و آمریکا. اختلافات را آنها به وجود می‌آورند: دل سنی را نسبت به شیعه، دل شیعه را نسبت به سنی آن‌چنان چرکین می‌کنند که نتوانند با این همه مشترکات، کنار هم بایستند. این، کار دشمن است. چرا ما این حقیقت را نمی‌فهمیم؟» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵ش).

۲. آموزه‌های همسازگرایانه و وحدت‌محور، قاعده‌ای برای تشدید و تداوم جامعه و امت اسلامی و نیز جامعه جهانی محسوب می‌شوند: «یک چاره که اساس چاره‌ها است و ریشه این گرفتاریها را قطع می‌کند و فساد را از بن می‌سوزاند، وحدت مسلمانان، بلکه تمامی مستضعفان و دربند کشیده‌شدگان جهان است. این وحدت، که اسلام شریف و قرآن کریم بر آن پافشاری کرده‌اند، با دعوت و تبلیغ دامنه‌دار باید به وجود آید» (خمینی، ۱۳۷۷ش، ج ۱۸، ص ۹۲).

۳. با توسعه اسلام به خارج از شبه جزیره عربستان، باورها، اندیشه‌ها و تعلقات قومی و خاستگاه اجتماعی و اقتصادی جدید، بر تنوع رقابتها افزود و لایه‌های تفرقه سنگین‌تر و سفره‌های ناهم‌سازگریها متنوع‌تر و رنگین‌تر گردید. جهان اسلام از قرن سیزدهم هجری به این سو، در کشاکش رویارویی با هیمنه استعماری غرب، علاوه بر وقوف به برتری مادی غرب، همانند قرن دوم هجری، باری دیگر با انبوهی از مفاهیم و معارف بیگانه مواجه می‌شود و البته این بار جهان اسلام، نشاط و شادابی و سلامت و قدرت گذشته را در مقابله با هیمنه مادی بیگانگان و هضم مطلوب داده‌های فرهنگی جدید را ندارد. اما با این حال حرکت‌هایی صورت می‌گیرد: «سالهای متمادی است - از زمان مرحوم آیت الله بروجردی و بعضی از بزرگان علمای اهل سنت در مصر - که این فکر پیدا شده که بیابید اختلافات را کنار بگذارید؛ سنی، سنی بماند؛ شیعه، شیعه بماند؛ عقاید خودتان را داشته باشید؛ اما با هم، دست در دست هم بگذارید. قرآن از زبان پیامبر اکرم به مسیحیان آن زمان می‌گوید: «تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا» (آل عمران، ۶۴). آن وقت فرقه‌های مسلمان، با خدای واحد، پیغمبر واحد، قرآن واحد، قبله واحد، عبادت واحد، این همه مشترکات و مسلمات، چند موضوع مورد اختلاف را وسیله قرار بدهند برای دشمنی! این خیانت نیست؟ این غرض‌ورزی غرض‌ورزان و غفلت غافلان نیست؟ هرکسی که در این زمینه تقصیری بکند، پیش خدای متعال مؤاخذ است؛ چه شیعه باشد، چه سنی» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵ش).

۴. وحدت اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری با تکیه بر آیات قرآنی که سازنده اصول روابط بین‌الملل اسلامی می‌باشد، جنبشی است که داعیه‌ای وحدت طلبانه همراه با ویژگی اصلاح‌گری، استعمار ستیزی و با تأکید بر جنبه‌های نوآورانه اسلامی می‌باشد (خمینی، ۱۳۷۷ش، ج ۲۰، ص ۳۲۲؛ بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶ش). مقصود از وحدت و انسجام اسلامی از دیدگاه امام خمینی و مقام معظم رهبری، وحدت و انسجام پایدار و مبتنی بر اراده و اختیار ناشی از رشد و شکوفایی خرد انسانها و پذیرش حقایق دینی با انتخاب آزاد می‌باشد (رحمانی‌فر، ۱۳۸۶ش، صص ۳۲ و ۳۳).

تبیین مفهوم امت

در ادامه رویکرد هم‌سازگرایانه و ترتیبی بعد از اینکه اخوت اسلامی محقق شد، اخوت اسلامی به وحدت منجر می‌شود و بعد از وحدت؛ امت اسلامی تحقق می‌یابد. رویکرد امت‌محورانه یکی از اصولی است که در سطح منطقه‌ای کاربرد دارد که هم در کمالات فردی و جمعی مسلمانان تأثیرگذار است: «تشکیل امت واحده‌ایی که ناصیه عبودیت بر درگاه ربوبیت و وحدانیت می‌ساید، همان آرزوی بزرگ اسلام است و همان است که در سایه آن، نیل به همه

کمالات فردی و جمعی مسلمانان می‌گردد و همان هدفی است که جهاد اسلامی برای تحقق آن تشریح شده و هریک از عبادات و فرایض اسلامی، بخشی از آن را زمینه‌سازی و تأمین می‌کند» (پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۳۷۰ ش).

باز هم در مسئله امت محوری، امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری، با تحلیل تاریخی، به چرایی گرفتاری و انحطاط دنیای اسلام اشاره می‌کنند و بنابراین هم در دیدگاه امام خمینی(ره) و هم از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای جهان اسلام باید به سمت بازسازی تمدن طلایی گذشته خود باز گردد و جایگاه ممتاز خود را بازیابد (خمینی، ۱۳۷۷ ش، ج ۲۱، ص ۹۱). بنابراین در ترسیم اصول و اهداف روابط بین‌الملل دولت اسلامی، امت محوری در رأس برنامه‌های آن قرار دارد (همان، ج ۳، ص ۹۴). این تحلیل آرمانی، این مقوله است. اما در واقع امر، این سؤال مطرح می‌شود که تا چه اندازه کشورهای اسلامی به همگرایی اخوت، وحدت و امت نزدیک شده‌اند؟

امت محوری به عنوان یکی از اصول راهبردی روابط بین‌الملل دولت اسلامی محسوب می‌شود، که در حیطه جهان اسلام تحقق دارد. اگرچه در ابتدای امر این بحث به صورت غیر کاربردی جلوه می‌کند، اما به لحاظ طرح این بحث در متون دینی و قرآن کریم و استراتژی پیامبر(ص) در دوره‌های اولیه اسلام در اندیشه امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای این بحث به طور مبسوطی مورد تحلیل قرار گرفته است: «شناخت نمونه و نمایی از آن امت واحده، به معنی گامی عملی در راه تحقق آن آرزوی بزرگ یعنی اتحاد اسلامی و در نهایت سر بر کشیدن قدرت واحده اسلامی در میدان سیاست جهانی است» (مکتوبات، ۱۳۷۷ ش).

امت محوری از اصول اصلی روابط بین‌الملل دولت اسلامی است. در آیات قرآن به مسئله امت اشاره خاصی شده است. در قرآن مجید آمده است: «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً» (مائده، ۴۸): «بر هر قومی، شریعت و طریقه‌ای مقرر داشتیم و اگر خدا می‌خواست همه را یک امت می‌گردانید». بنابراین صاحبان ادیان و پیروان کتب آسمانی به وحدت دعوت شده‌اند و اسلام دینی است که در مبنا و اساس، گرایش به همکاری و وحدت در آن به ودیعت گذارده شده است. یا وقتی که در سوره آل‌عمران آیه ۱۰۳ بر مسئله عدم تفرقه تأکید می‌کند، می‌توان عمق این مسئله؛ یعنی امت محوری که بر پایه اصل اخوت و وحدت به وجود می‌آید را درک کرد، که یکی از ضروریات اسلام است. معنی یک امت بودن این است که مسلمانان باید وحدت را در بین خودشان بنا بر آیه: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل‌عمران، ۱۰۳) حفظ کنند. در این زمینه آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید: «حرفی که در صد سال قبل مصلحان دنیای اسلام در کشورهای مختلف در غرب دنیای اسلام، در شرق دنیای

اسلام، در محیطهای غریبانه بر زبان می‌آوردند، امروز در دست توده‌های مردم به عنوان یک شعار مطرح است: برگشت به اسلام، احیای قرآن، ایجاد امت واحده، عزت و قدرت دنیای اسلام و امت اسلامی؛ چیزهایی که به عنوان یک آرمان دوردست، مصلحان در محیطهای محدود در بین خواص مطرح می‌کردند، امروز در بین توده‌های مسلمان جزء آرمانهای مطرح و جزء شعارهای زنده است. به هر کدام از کشورهای اسلامی که نگاه کنید - به خصوص در میان قشرهای جوان و تحصیل‌کرده و روشن‌فکر - این شعارها زنده است. این نشان‌دهنده این حقیقت است که هویت اسلامی در دلها زنده شده است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶ش).

از دیدگاه رهبری امت اسلامی با بهره‌گیری از قرآن و احکام اسلامی، می‌تواند به خطوط روشن زندگی سعادت‌مندانه برسد. از دیدگاه رهبری تفرقه، دشمنی و قومیت‌مداری در کنار توطئه دشمنان را از آسیبهای همگرایی امت‌محورانه می‌شمارند: «امت اسلامی در درون خود، قرآن را دارد، احکام اسلامی را دارد، خطوط روشن زندگی سعادت‌مندانه بشر را در قرآن دارد. امت اسلامی می‌تواند با بازگشت به خود، با بازگشت به هویت اسلامی، در مقابل این موج مخرب همه بنیانهای زندگی بشر بایستد. انسجام اسلامی یعنی کشورهای مسلمان قدر امت بزرگ اسلامی را بدانند. ما از تکه تکه شدن سودی نمی‌بریم. ما از دشمنی با یکدیگر سودی نمی‌بریم. ما از تشدید اختلافات قومی، فرقه‌ای، شیعه و سنی، عرب و عجم سودی نمی‌بریم. امت اسلامی یک مجموعه عظیم است با امکانات بسیار، با سرمایه‌های بسیار؛ اما دنیای غرب ما را تکه‌پاره کرده است، ما را در مقابل هم قرار داده است. قومیت‌های ما را سلاحی برای برخورد با برادران مسلمان قرار داده است و ما هم نادانسته و جاهلانه، این توطئه و این ترفند را پذیرفتیم و در این دام قرار گرفتیم. باید به خود بیایم» (مکتوبات، ۱۳۸۶ش).

تبیین مفهوم دعوت (همگرایی جهانی)

اصل دعوت یکی از اصول راهبردی دولت اسلامی در سیستم روابط بین‌الملل محسوب می‌شود. اصل دعوت محدودیت سه اصل قبلی را ندارد و اصلی فرا عقیدتی محسوب می‌شود. البته این اصل در دیدگاه امام و رهبری، تفسیرهای گوناگونی پیدا کرده است. از دیدگاه رهبری خصوصیت مهم دعوت اسلامی، استقرار عدل در بین انسانها می‌باشد و عدل نقطه کانونی دعوت اسلامی محسوب می‌شود: «دعوت اسلامی، عبارت است از استقرار عدل در بین انسانها» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۳ش). از دیدگاه امام و رهبری خصوصیت نظامهای جاهلی استقرار ظلم، تبعیض و زورگویی است (همان). از همین روی نظام اسلامی به طور دائم منتقد نظامهای ظالمانه موجود می‌باشد: «مذهب اسلام از هنگام ظهورش متعرض نظامهای حاکم در جامعه بوده و خود دارای سیستم و نظام خاص

اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی بوده است که برای تمامی ابعاد و شئون زندگی فردی و اجتماعی قوانین خاصی وضع کرده است و جز آن را برای سعادت جامعه نمی‌پذیرد» (خمینی، ۱۳۷۷ش، ج ۵، ص ۳۸۸).

جهان‌گرایی یکی از ویژگیهای گفتمان امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری می‌باشد که مجموعه‌ای از نشانه‌ها و علائم خاص را پوشش می‌دهد. به عنوان مثال: مستضعفان، فلسطین، صدور انقلاب، امت اسلامی در برابر ملت ایرانی، که نشانه‌هایی از جهان‌گرا بودن را در خود دارد.

در واقع سطح و وسعت دید گفتمان امام خمینی(ره) و رهبری تمام جهان هستی و کل بشریت را دربر می‌گیرد. چنین گفتمانی، به دنبال تأمین منافع و مصالح قشر خاص، قوم و نژاد خاص و یا گروه خاصی نیست. بلکه با درنوردیدن مرزهای اعتباری دولت - ملت و با فرعی دانستن تفاوت‌های قومی، نژادی، جغرافیایی و از این قبیل، میان جوامع بشری، مبانی تفکیک و مرزبندی کنونی در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل را کنار گزارده و به تعبیری، نگاهی «جهان شمول» به این حوزه دارد. این دیدگاه، در عین برخورداری از سطح جهان شمول و نگرش به حرکت کلی بشریت و ارائه توصیه برای همه انسانها، در مفهوم‌سازی و نگاه خود، سطح تحلیل خرد را، حتی تا «فرد» نیز مدنظر قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، این نگاه، برگرفته از جهان‌بینی توحیدی و نگاه جهان شمول تعالیم و آموزه‌های دین اسلام است که موجب انفکاک جدی مرزبندیهای اعتباری و تقسیم‌بندیهای کنونی در روابط بین‌الملل می‌گردد، الگویی خاص و نو از روابط بین‌الملل با توجه به مفهوم دعوت ارائه می‌دهد: «ما می‌خواهیم یک الگویی از اسلام در عالم نشان بدهیم که عقلای عالم بفهمند که اسلام چه آورده و در دنیا می‌خواهد چه بکند» (همان).

بنابراین در این دیدگاه، اسلام همه بشریت را خطاب قرار داده است و به وسیله این دعوت، همه بشریت را به سوی عدل دعوت می‌کند: «اسلام برای یک کشور، برای چند کشور، برای یک طایفه، حتی برای مسلمانان نیست، اسلام برای بشر آمده است. خطابه‌های اسلام «یا ایها الناس» است. گاهی «یا ایها المؤمنون» و الا «یا ایها الناس» است و همه بشر را اسلام می‌خواهد زیر پوشش عدل خودش قرار بدهد» (همان، ج ۱۱، ص ۲۸).

گفتمان اسلامی بر این نکته تأکید دارد که دین اسلام، همه بشریت را «ملت واحده» می‌داند (همان، ج ۱۱، ص ۴۵۲) و مقصد اسلام این است که ملیتها کنار گذاشته شوند: «مقصد اسلام که ملیتها را می‌خواست کنار بگذارد و همه بشر ملت واحده باشند».

دعوت در اسلام و قرآن و متون فقهی در برخی موارد به معنای دعوت کفار به اسلام تعبیر شده است، اما در اندیشه قرآنی امام خمینی(ره) و رهبری، و در سیستم روابط بین الملل دولت اسلامی بازبینی و باز تولید شده و معانی و رهیافت‌های جدیدی پیدا کرده است که به آن اشاره می‌شود:

۱. یکی از معانی دعوت «دعوت به معنای محاوره و گفتگوی بین متفکران و علمای ادیان الهی» می‌باشد. دعوت به گفتگو که سابقه طولانی در ادبیات دینی نیز دارد و در قرآن نیز آمده است: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ».

محاوره متفکران و علمای دو آئین: «اسلام و مسیحیت، کار پسندیده‌ای است، و هنگامی که به اتخاذ موضع مشترک در قبال حیاتی‌ترین مسائل بشر امروز بینجامد، سودمند و پربرکت نیز خواهد شد. همه طرف‌داران ایمان دینی و معنویت ادیان شایسته است که با تهاجم قدرتهای مادی‌گری مقابله کنند» (مکتوبات، ۱۳۷۳ش).

۲. از معانی دیگری که در ابتدای بحث نیز به آن اشاره شد، اصل دعوت به معنای «دعوت به عدل» تعبیر شده است که در کنار آزادی و رستگاری نیز مطرح شده است: «دعوت اسلامی، عبارت است از استقرار عدل در بین انسانها» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۳ش). «امروز ندای پیامبر رحمت، رساتر از همیشه به گوش می‌رسد، و دعوت اسلام که دعوت به عدالت و آزادی و رستگاری است، با طنین بیشتری شنیده می‌شود. پاره‌های شب سیاه استکبار و ظلم و خودکامگی از سویی و جهل و خرافه و فریب از سوی دیگر، بشر را بیش از گذشته، نیازمند نور رستگاری و تشنه عدل و صلح و برادری کرده است. امروز ندای ملکوتی: «تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ» (آل عمران، ۶۴)، که ردّ خداوندان زور و زر و صف‌آرایی در برابر ستم و ستمگر است، گوش و دل اسیران و ستم‌دیدگان را بیش از همیشه می‌نوازد، و مزده: «إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (حج، ۳۲)، به آنان دلگرمی و امید می‌بخشد» (مکتوبات، ۱۳۸۰ش).

۳. از دیگر معانی دعوت، «دعوت به معنای نفی عبودیت غیر خدا و دعوت به توحید حقیقی» که به صورت مبسوطی مطرح شده است: «در درجه اول، توحید خالص است که توحید خالص؛ یعنی نفی عبودیت غیر خدا. این آن توحید خالص است. توحید، فقط این نبود که بتها را کنار بگذارند. توحید یک معنای شامل و عام و سایر در طول تاریخ است. همیشه که بت‌های مکه وجود ندارند. همیشه که بت‌سنگی و چوبی وجود ندارد. معنا و روح توحید عبارت است از اینکه انسان از غیر خدا عبودیت نکند و در مقابل غیر خدا، جبهه بندگی به زمین نساید. این معنای عبودیت کامل و خالص است. حال شما اگر با چشم روشن بینانه و آگاهانه و مسلح به دانشهای مربوط به زندگی

بشر - علوم اجتماعی و علوم تربیتی و امثال ذلک - به این عنوان نگاه کنید، خواهید دید که دایره عبودیت، دایره وسیعی است. قید و بندهایی که به بشر بسته می‌شود، هریک نوعی عبودیت برای انسان به وجود می‌آورد. عبودیت نظامهای اجتماعی غلط، عبودیت آداب و عادات غلط، عبودیت خرافات، عبودیت اشخاص و قدرتهای استبدادی، عبودیت هواهای نفسانی - که این از همه رایج‌تر است - و عبودیت پول، زر و زور. اینها انواع عبودیت است. وقتی می‌گوییم «لا إله إلا الله، وحده لا شریک له»، یعنی توحید خالص. معنایش این است که همه این عبودیتها به کنار رود که اگر چنین شود، فلاح و رستگاری، حقیقتاً حاصل خواهد شد. این مثلاً یکی از آن ممیزه‌های دعوت اسلامی است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۳ش).

نتیجه

مفاهیم و مباحث نشأت گرفته از قرآن به خصوص در زمینه همگرایی اسلامی می‌تواند علاوه بر نزدیکی مذاهب اسلامی در سایر جنبه‌های سیاسی - اجتماعی اتفاق بیافتد. در این زمینه، رهبران انقلاب اسلامی، امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری همواره با استناد و تبیین و تفسیر مفاهیم قرآنی از جمله «اخوت»، «وحدت» و «امت» بر همسازگرایی و همگرایی اسلامی تأکید و توصیه ویژه و خاصی داشته‌اند و همواره از تفرقه و جدایی بین مسلمانان و عوامل زمینه‌ساز آن هشدار داده‌اند و این مهم را با استناد و استشهاد به آیات قرآنی به منصفه ظهور رسانده‌اند.

فهرست منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. احمدی طباطبایی، محمدرضا؛ و ژروانه، محمود، «نسبت منافع ملی و مسئولیتهای فرا ملی نظام ج.ا.ا در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)»، فصلنامه علمی - پژوهشی انقلاب اسلامی، شماره ۲۵، تابستان ۱۳۹۰ش.
۳. احمدی، ظهیر، «مفهوم‌شناسی امت در قرآن و اجتماع»، مجله پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، شماره دوم، بهار ۱۳۸۸ش.
۴. امیراردوش، محمدحسین، تأملی بر مسئله وحدت اسلامی از دیرباز تاکنون با تکیه بر جنبش اتحاد اسلامی، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۴ش.
۵. بزرگی، مهدی، «نقش انقلاب اسلامی در بیداری و وحدت مسلمانان»، مجله اندیشه تقریب، شماره پنجم، زمستان ۱۳۸۴ش.
۶. جمشیدی، «چیستی و ماهیت «وحدت و همبستگی» در اندیشه امام خمینی(ره)»، تهران، پژوهشنامه متین، شماره ۲۷، تابستان ۱۳۸۴ش.
۷. خمینی، روح الله، شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم نشر و آثار امام خمینی، چاپ پنجم، ۱۳۷۳ش.
۸. همو، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۷ش.
۹. دهشیری، محمدرضا، بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی، در روابط بین‌الملل، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۹۰ش.
۱۰. رحمانی‌فر، علی، «بسترهای وحدت و انسجام اسلامی از منظر آیات و روایات فریقین»، مجله کوثر معارف، سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۶ش.
۱۱. سایت مقام معظم رهبری، www.khamenei.ir.
۱۲. عارفی، محمداکرم، «راهکار وحدت سیاسی جهان اسلام در اندیشه امام خمینی(ره)»، مجله معرفت، شماره ۳۱، آذر و دی ۱۳۷۸ش.

۱۳. نرم افزار حدیث ولایت، مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری (از سری نرم افزارهای مجموعه نور)، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، بی تا.

۱۴. نرم افزار مجموعه آثار امام خمینی (ره) (از سری نرم افزارهای مجموعه نور)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، بی تا.

۱۵. واعظزاده خراسانی، محمد، «راههای تقریب مذاهب اسلامی و وحدت اسلامی»، تهران، مجله مطالعات اسلامی، شماره ۶۰، تابستان ۱۳۸۲ ش.